

۱۷۱۸۷۵
۹۵/۱۱/۲۳

تاریخ ادبیات

ایران (۴)

باروگر و رازنی
سید مهدی زرقانی

www.ketab.ir



انتشارات فاطمی

تاریخ ادبیات ایران

(۴)

بارویکرد ژانری

مؤلف: سید مهدی زرقانی

(عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)

ناشر: انتشارات فاطمی

چاپ اول، ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۸-۹۳۸-۹

ISBN: 978-964-318-938-9

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر برای انتشارات فاطمی محفوظ است. تکثیر، انتشار و ذخیره‌سازی تمام یا بخشی از این اثر به هر شکل (چاپی، الکترونیکی و ...) و با هر هدف بدون مجوز از ناشر، غیرقانونی و قابل پیگرد است.

آدرس دفتر: میدان دکتر فاطمی، خیابان جویبار، خیابان میرهادی شرقی،
شماره ۱۴، کدپستی: ۱۴۱۵۸۸۴۷۴۱، تلفن: ۸۸۹۴۵۵۴۵ (۲۰ خط)،
www.fatemi.ir info@fatemi.ir ۸۸۹۴۴۵۱۰
آشنایی و شگاده: ران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تقاطع شهدای ژاندارمری
تلفن: ۶۶۰۳۴۷۰، فکس: ۶۶۹۷۳۷۱۰

آماده‌سازی پیش از چاپ و تولید انتشارات فاطمی

ویراستار صوری - زبان: فرید مصباحی مصلح‌آبادی

طراح و صفحه‌آرا: لیلی سبزی

نمونه‌خوانی: مسعود رزدام، ابوالفضل بیگی

نظارت بر چاپ: علی محمدپو

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: خاشع

زرقانی، سید مهدی، ۱۳۴۹-

تاریخ ادبیات ایران (۴) با رویکرد ژانری / سید مهدی زرقانی. - تهران: فاطمی، ۱۳۹۵.

نه، ۲۹۰ص.

ISBN: 978-964-318-938-9

فیفا

۱. ادبیات فارسی - تاریخ و نقد ۲. ادبیات ایرانی - تاریخ و نقد ۳. ادبیات ایرانی - پیش از اسلام - تاریخ و نقد ۴. انواع ادبی.



فهرست مطالب

پنج	مقدمه
۱	فصل اول: بررسی‌های فرامتنی
۱۷	فصل دوم: نهضت بازگشت ادبی
۵۴	فصل سوم: ژانر تاریخ
۷۷	فصل چهارم: ژانر مطبوعات

۱۱۷	فصل پنجم: ژانر نمایشی
۱۵۲	فصل ششم: ژانر تذکره
۱۶۶	فصل هفتم: ژانر ترجمه
۱۹۲	فصل هشتم: ژانر عامیانه
۲۱۶	فصل نهم: ژانر سفرنامه
۲۴۴	فصل دهم: ژانر رساله
۲۶۳	فصل یازدهم: ژانر منشآت
۲۷۹	منابع و مآخذ



مقدمه

این کتاب، آخرین جلد از مجموعه چهارجلدی تاریخ ادبیات ایران است که می‌خواهد تاریخ ادبیات ایران را از ادوار پیش از اسلام تا حدود انقلاب مشروطه، رویکرد ژانری بررسی کند. در این مجلد به بررسی ادبیات ایران در قرن‌های سیزده و چهارده هجری قمری پرداخته‌ایم؛ قرن‌هایی که از نظر تاریخ سیاسی مقارن است با دوره حکومت سلسله افشاریه، زندیه و قاجاریه. جنب‌وجوش ادبی در زمان حکومت دو سلسله افشاریه و زندیه اندک بود؛ اما دوره حکومت حدود یک‌صدوسی ساله قاجار در تاریخ ادبی ایران بسیار مهم و تعیین‌کننده است. در دهه‌های اخیر، ذهنیت‌های نادرستی درباره این دوره شکل گرفته است. اغلب تصور می‌شود که «ادبیات دوره قاجار» چیزی نیست جز «بازگشت ادبی» و چون شعر بازگشتی یک‌سره گرفتار ارتجاع و تقلید است، ادبیات قاجاری ارزش آن را ندارد که به‌طور جدی به آن بپردازیم. این تصورات نادرست که انقلابیون مشروطه به‌واسطه روحیه نوگرایی و انقلابی‌شان بر آن دامن

زند و پس از آن هم ژورنالیست‌های دهه سی و چهل آن قدر آن را تکرار کردند که برای بسیاری از محققان هم حکم امر واقع را پیدا کرد، وارد فضاهای دانشگاهی هم شد؛ آن قدر که برنامه‌ریزان درسی، سرفصل‌های درس تاریخ ادبیات (۳) در دوره کارشناسی را از آغاز قرن دهم تا پایان قرن چهاردهم تعیین کرده بودند؛ ایرادی که در برنامه‌ریزی فعلی و با تعریف واحد درسی «تاریخ ادبیات ۴» برطرف شده است. حال آن که اولاً درخشش ادبیات دوره قاجار را نه در شعر بدنام «بازگشتی»، بلکه باید در ژانرهای منثور جستجو کرد، ثانیاً اگر شعر فاخر و رسمی گرفتار آفت بازگشت شده بود، چرا شعر عامیانه این دوره سرشار از خلاقیت‌های هنری و کم‌نظیر است. از این‌ها گذشته، حتی همان شعر بازگشتی نیز خالی از زیبایی‌ها و نوآوری‌ها نیست و در ارزیابی‌های ستا شده و غیردقیق است که غث و ثمین آن با یک چشم دیده شده است. در دوره قاجار ژانرهای بسیار زیادی وجود دارد که هنوز حتی نسخه‌های خطی آن‌ها به‌طور کامل شناسایی نشده‌اند. تحت‌الباطن بسیار وسیعی درباره این دوره باید صورت گیرد تا معلوم شود که ادبیات این دوره در مجموع یکی از غنی‌ترین دوره‌های تاریخ ادبی ایران است. امیدواریم این کتاب بهانه‌ای شود برای توجه جدی محققان و منتقدان ادبی به تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های سیزدهم و چهاردهم.

رویکرد ما در مطالعات تاریخ ادبی ژانری است. ما کتاب نظریه ژانر (زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۵) به‌طور مفصل درباره ژانر، نظام‌های ژانری، تحولات آن و مسائل دیگر سخن گفته‌ایم؛ اما در این مقدمه به اختصار می‌توان گفت که تعریف ما از ژانر همان عمومی‌ترین تعریف این اصطلاح است: «تعدادی از متون که در یک طبقه جای می‌گیرند و از قوانین نوشتاری و کلامی یکسانی پیروی می‌کنند». به این ترتیب هرگاه در مورد ژانر بحث شود، ابتدا «تعدد»، شرط لازم آن است؛ به این معنا که حتماً باید چند متن با ویژگی‌های مشترک داشته باشیم تا بتوانیم از ژانر سخن بگوییم. سپس «قرار گرفتن آن‌ها در یک طبقه» است. چه چیزی موجب می‌شود ما چند متن را در یک طبقه قرار دهیم؟ ویژگی‌های فرمی، محتوایی، کارکردی، نسبت‌شان با واقعیت و نیز آنچه به انگیزه مؤلف / شاعر و طیف مخاطب مربوط می‌شود. «تعدادی از متون» در صورتی در ذیل یک ژانر قرار می‌گیرند و یک «طبقه ژانری» را تشکیل می‌دهند که در چند یا همه این ویژگی‌ها اشتراک داشته باشند. این تصور که در

تعیین ژانر فقط فرم، فقط محتوا، فقط کارکرد یا فقط طیف مخاطب مقصد مبنا قرار می‌گیرد، تصور نادرستی است که موجب خلط میان ژانر و قالب‌های ادبی یا ژانر و موضوع اثر می‌شود. تصور نادرست دیگر این است که اصرار داشته باشیم حتماً همه آثار را در نهایت در قالب سه یا چهار ژانر اصلی قرار دهیم. چنین ذهنیتی مربوط به دوره‌ای از تفکر است که نظام‌های موجود در عالم را در چارچوبی اقتدارگرایانه تصور می‌کردند؛ یعنی همان‌طور که مثلاً در جهان باید نیروهای کوچک‌تر در ذیل نیروهای بزرگ‌تر قرار گیرند و در رأس همه باید پادشاه، پیر، پدر یا مادر قرار گیرد، ژانرها نیز لزوماً باید در قالب سه یا چهار ژانر شاهانه یا مادر رده‌بندی شوند. ما نیز می‌کنیم در رده‌بندی ژانری آثار، باید تعدادی از آن‌ها را که ویژگی‌های مشترک فرمی، محتوایی، کارکردی دارند و از جهت نوع رابطه با واقعیت و نیز انگیزه نوشتن / سرودن و مخاطب مقصد در یک رده بگنجانند، در یک طبقه هرچند کوچک قرار دهیم و سپس اگر توانستیم برای آن زیرژانرهایی تعیین کنیم، وگرنه تلاش برای گنجاندن متکلفانه همه ژانرهای کوچک در دل ژانرهای بزرگ کاری بیهوده و غیر علمی است.

آیا تقسیم آثار به دو گروه ادبی و غیر ادبی کار علمی است؟ یعنی می‌توانیم مجموعه‌ای از آثار را در قالب «ادبیات» و مجموعه دیگری را در قالب «غیرادبیات» جای دهیم؟ به نظر می‌رسد مرز میان ادبیات و غیرادبیات، دست‌کم در ژانرهای منشور و نیز معاصر، آن‌قدر محو است که مشکل بتوان از دو گونه اصلی «ادبیات» و «غیرادبیات» سخن گفت. استعاره‌ها، تشبیهات، شیوه‌های روایت و دیگر ویژگی‌هایی، که ما آن‌ها را «آلفه‌ای» اصلی آثار ادبی به شمار می‌آوریم، در واقع جزو طبیعت زبان‌اند و در همه گونه‌ها کم و بیش به کار می‌روند. مثلاً اگر نویسنده‌ای در «سرمقاله» یک روزنامه حکایتی بیاورد، آیا آن نوشته باید اثر ادبی دانست یا غیر ادبی؟ یا اساساً نوشتارهای مطبوعاتی ادبی‌اند یا غیر ادبی؟ همین پرسش را درباره آثار تاریخی هم می‌توان مطرح کرد. بهتر است به جای تقسیم آثار به دو گونه ادبی و غیر ادبی، از «ژانرها» سخن بگوییم. در این صورت، برای مثال «ژانر تاریخی» خواهیم داشت و آثاری که در ذیل آن قرار می‌گیرند، ممکن است قابلیت‌های متفاوت ادبی داشته باشند. می‌توانیم میزان «ادبیت» آثاری را که در ژانرهای مختلف وجود دارند، بر اساس ویژگی‌های شکلی آن‌ها تعیین کنیم. ادبیت، خصلت است نه اثر؛ خصلتی که در ژانرها و آثار مختلف، به میزان‌های متفاوتی

وجود دارد. مثلاً دیوان حافظ ژانری است با خصلت ادبی بسیار برجسته و سرمقاله یک روزنامه، ژانری است با قابلیت ادبی کم. به این ترتیب در رویکرد ژانری تمام آثار، صرف نظر از این که نظم باشند یا نثر، شفاهی باشند یا کتبی، مدرن باشند یا کلاسیک، قابل رده‌بندی‌اند؛ اما در تقسیم آثار به دو گروه ادبی و غیر ادبی یا حتی به دو گروه نظم و نثر، با نقیض‌های فراوانی مواجه می‌شویم که محققان را سردرگم می‌کنند. بر اساس کدام معیار علمی می‌توان تاریخ بیهقی را اثر ادبی به‌شمار آورد و تاریخ بیهق را اثر غیر ادبی؟ یا نفثة‌المصدور را اثر ادبی دانست و مصنفات نلاء‌الدوله سمنانی را اثر غیر ادبی؟ رویکرد ژانری به ما کمک می‌کند تا از منظری تازه به رده‌بندی آثار بپردازیم و متناسب با ویژگی‌های شش‌گانه فوق (فرم، محتوا، کارکرد، نسبت با واقعیت، انگیزه سرزن/نوشتن و مخاطب مقصد)، آن‌ها را در قالب طبقه‌های ژانری بگنجانیم و سپس به‌مورد هر اثر، به بررسی درجه ادبیت آن بپردازیم. تنها در آن صورت است که می‌توان از «تاریخ ادبیات» رویکرد ژانری» سخن گفت. وقتی از ادبیات کلاسیک سخن می‌گوییم مقصودمان چیست؟ آیا همه نوشتارهاست یا فقط آثاری که وجه ادبی در آن‌ها غلبه دارد؟ بهتر است از ژانرها سخن بگوییم و سپس مشخص کنیم در کدام ژانرها ویژگی ادبی برجسته‌تر است یا در کدام آثار یک طبقه ژانری، خصلت ادبی. در این صورت بهتر می‌توانیم درباره ادبیات فارسی سخن بگوییم. اکنون نمی‌دانیم در دوره کلاسیک یا معاصر، کدام ژانرها وجود دارند؟ ویژگی‌های هر کدام‌شان چیست؟ وجه ادبی هر یک از آن‌ها چگونه و در چه سطحی است؟ نسبت آن‌ها با یکدیگر و با متغیرهای بیرونی‌شان چگونه است؟ علاوه بر این، تحقیقات ژانری به محققان دیگر حوزه‌های علوم انسانی (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ) کمک خواهد کرد تا تحلیل‌های دقیق‌تری ارائه دهند و چشم‌اندازهای تازه‌ای پیش روی خوانندگان آثارشان بگشایند.

اقتضای وضعیت ژانرها در دوره مورد بررسی چنان است که می‌توان هر فصل را به یک ژانر اختصاص داد. متفاوت بودن تعداد صفحات فصل‌ها هم به این دلیل است که مجموعه آثار هر ژانر با ژانر دیگر متفاوت است و نیز زمینه‌های گفتگو در مورد همه ژانرها به یک اندازه مهیا نیست. به‌عنوان مثال، درباره ژانر مطبوعات می‌توان بیشتر از ژانر تذکره سخن گفت، چون مجال بحث در اولی بیشتر از دومی است.

در ویراست‌های بعدی این کتاب دربارهٔ ژانرهای دیگر هم مطالبی افزوده خواهد شد، چون به یقین هنوز بسیاری از ژانرهای دورهٔ مورد بررسی اصلاً شناخته نشده‌اند. همچنین لازم به ذکر است که این کتاب یک اثر «آموزشی» است، نه پژوهشی؛ بنابراین در هر فصل، از تحقیقات انجام‌شده بیشترین بهره گرفته شده است. سعی شده است فهرست منابع مورد استفاده به‌طور کامل ذکر شود؛ اما لازم به ذکر است که این کتاب وام‌دار بسیاری از مقاله‌ها و کتاب‌های تخصصی است که در حوزهٔ هریک از ژانرها نوشته شده‌اند؛ این قدر که شیوهٔ تدوین، رویکرد و برخی تحلیل‌های ما ممکن است با این محققان متفاوت باشد. همچنین به سیاق جلدی پیشین، در آخر هر فصل پرسش‌هایی مطرح شده است که هم می‌توانند به دانشجویان کمک کنند تا میزان اطلاعات خود را ارزیابی کنند و هم در ارزیابی استادان به کار آید. در پایان امیدوارم این کتاب بتواند توجه خوانندگان محترم را به ضرورت و فایدهٔ رویکرد ژانری در مطالعات تاریخ ادبی جلب کند. نیز بر خود لازم می‌دانم از مدیر محترم انتشارات فاطمی و همکاران ایشان تشکر کنم که کتاب را به صورتی قابل قبول منتشر کردند. با اشتیاق چشم انتظار نقد و نظرات استادان، پژوهشگران و دانشجویان محترم هستم.

سید مهدی زرقانی

zarghani@ur.ac.ir